

گزارشی از ادامه پیکار کارگران و زحمتکشان بر ضد رژیم استبدادی «ولایت فقیه»

با درخواست تجمع کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور، در روز یکشنبه ۲۸ آذرماه در مقابل دفاتر سازمان تأمین اجتماعی و مراکز استان ها موافقت نکرده است... هرگونه تجمع فاقد وجهت قانونی بوده و وزارت کشور موافقتی در این خصوص به عمل نیاورده است. با وجود مخالفت وزارت کشور، شمار زیادی از کارگران جان به لب رسیده از ادامه استبداد و فشارهای کمر شکن اقتصادی - اجتماعی، گرد همایی خود را با شعارهای کوبنده برگزار کردند. به گزارش روزنامه آفتاب امروز، ۲۸ آذرماه ۱۳۷۸: «علی رغم ممنوعیت

در صفحه ۳

بر اساس گزارش های رسیده، در اواخر آذرماه سال جاری، صدها کارگر در برابر ساختمان سازمان تأمین اجتماعی، در تهران، گرد آمدند و به سیاست های ارتجاعی رژیم «ولایت فقیه» اعتراض کردند. بر اساس همین گزارش ها کارگران توقف روند خصوصی سازی، پرداخت مجدد بیمه بیکاری و جلوگیری از حراج بیمارستان های سازمان تأمین اجتماعی و همچنین افزایش دستمزدها بر اساس نرخ واقعی تورم را خواستار شدند.

وزارت کشور پیش از برگزاری این گرد همایی اعلام کرده بود که با هرگونه تجمع کارگران مخالف است. در اطلاعیه وزارت کشور از جمله آمده بود: «وزارت کشور

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۷۴، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۲۱ دی ماه ۱۳۷۸

قرن بیست و یکم، قرن سوسیالیسم و پیروزی بر سرمایه داری!

۱۱دی ماه، روز اول سال ۲۰۰۰ میلادی، شروع قرن بیست و یکم میلادی بود. صدها میلیون شهروند جهان با برپایی مراسم باشکوه و آتش بازی های حیرت انگیز که ماهها برای تدارک آن ها سازماندهی شده بود و با صرف میلیارد ها دلار، شروع قرن و هزاره جدید را جشن گرفتند. در جمع بندی زیر سعی شده است که از این واقعه به مثابه درنگی برای تفکر پیرامون گذشته، حال و آینده بشریت و در مرکز آن، گذشته، حال و آینده جنبش چپ بهره گیری شود.

قرن بیستم بدرستی قرن رخدادهای عمده جهانی، که براساس آن انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر قرار دارد، شناخته شده است. این واقعیتی انکار ناپذیر است که انقلاب اکتبر نه فقط جهان را تکان داد بلکه از پایه آن را دگرگون ساخته است. زحمتکشان و ستم دیدگان جهان با نگرستن به انقلاب اکتبر، به مثابه آغاز یک تحول قانونمند و نوین آزادی بخش برای اولین بار در طول قرن ها تاریخ بشریت، سرنوشت خود را به دست های خود گرفته و به تحقق دورنمای یک جامعه سوسیالیستی فارغ از ظلم و استثمار همت گماشتند.

در تحولی که انقلاب اکتبر آغازگر آن بود، کشورهای سوسیالیستی در عرصه های اشتغال، تأمین اجتماعی، بهداشت و آموزش، فرهنگ و علم قله هایی را فتح کردند که قبل از آن غیر ممکن می نمود. اکتبر همچنین نقطه عطفی برای جان تازه دمیدن به جنبش کارگری و انقلابی در کشورهای سرمایه داری بود. جنبش کارگری در دوران پس از اکتبر به حصول دستاوردهای عظیم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موفق شد. انقلاب اکتبر و اتحاد شوروی به سنگری محکم مبدل گردید که در پناه آن فاشیسم هیتلری در هم شکسته شد. انقلاب اکتبر و اتحاد شوروی حامی ثابت قدم و قدرتمند تمامی جنبش های ضد استعماری بودند و این منجر به سقوط نهایی سیستم غیر انسانی مستعمراتی گردید. نیمه دوم قرن بیستم شاهد تولد دهها کشور مستقل جدید و ایجاد جنبش کشورهای غیر متعهد بود. برای اولین بار، صلح از یک تخیل و آرزو به یک امکان قابل دسترسی تبدیل شد. امپریالیسم انحصار تسلط بر جهان را از دست داد، و در مقابل قدرت مانور

ادامه در صفحه ۴

هاشمی رفسنجانی در صحنه انتخابات: اسب تروای ارتجاع و استبداد برای تضعیف جبهه دوم خرداد

مغرب و ارتجاعی بی که رفسنجانی مسئولیت انجام آن را عهده دار شده است، پیش بینی کردیم که از جمله نخستین هدف های چنین حرکتی ایجاد چند دستگی و انشعاب در بین نیروهای جبهه دوم خرداد است. حملات شدید نزدیکان رفسنجانی به سایر نیروهای جبهه دوم خرداد، در روزهای اخیر، مویذ این پیش بینی ماست.

بر اساس گزارش روزنامه صبح امروز، پنجشنبه ۱۶ دی ماه، محمد هاشمی، برادر هاشمی رفسنجانی و عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی، در سخنان تندی، از جمله گفت: «بعضی از گروه ها در جبهه دوم خرداد مانند مجمع روحانیون مبارز و جبهه مشارکت نه تنها ائتلاف را مخدوش کرده اند بلکه همکاری را نیز مخدوش کرده اند و دیگر جایی برای همکاری وجود ندارد و با روزنامه هایی که در اختیار دارند و با صدور بیانیه علیه شخصیت ها و چهره های کشور و برنامه های گروه ها بر خلاف شعار جامعه مدنی و دموکراسی عمل می کنند.»

در مقابل چنین حملاتی، بخش های وسیعی از ائتلاف دوم خرداد ضمن نقد دوران حکومت هاشمی، اعلام کرده اند که، حاضر نیستند نام رفسنجانی را در لیست نامزدهای انتخاباتی خود قرار دهند. اسدالله بادامچیان، عضو شورای مرکزی جمعیت

ادامه در صفحه ۶

پس از هفته ها مانور و بازی سیاسی، هاشمی رفسنجانی، کارگزار کهنه کار استبداد و ارتجاع، کسی که در بیست سال گذشته نقش عمده ای در منحرف کردن انقلاب مردمی بهمن ۵۷ و حاکم کردن حکومت قرون وسطایی کنونی برعهده داشته است با مأموریت ایجاد انشعاب و چند دستگی در جبهه ناهمگون دوم خرداد در آستانه انتخابات مجلس ششم، و تقویت مواضع نیروهای ارتجاعی، به صحنه انتخاباتی وارد شد. با ورود رفسنجانی به صحنه انتخابات، کارزار از پیش سازمان یافته تبلیغاتی در معرفی او به عنوان چهره «اعتدال طلب» که قادر است با مانور بر فراز جناح ها به بحران کنونی مهار زده و «نظام» را از خطرات جدی که آن را تهدید می کند نجات دهد، آغاز شد. هواداران رفسنجانی، در سیمای خانواده او و چهره های سرشناس حزب کارگزاران سازندگی، ضمن دفاع شدید از رفسنجانی، سایر نیروهای جبهه دوم خرداد را فرا خواندند تا رفسنجانی را در لیست نامزدهای خود قرار دهند. فائزه هاشمی، در سخنان گستاخانه ای، ضمن حمله به مخالفان هاشمی، عبدالله نوری را به تحریف تاریخ متهم کرد، و مدعی شد که، جنبش دوم خرداد بیش از هر کسی مدیون هاشمی رفسنجانی است. ما همزمان با ورود رفسنجانی به صحنه انتخاباتی ضمن هشدار دادن پیرامون نقش فوق العاده

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

صدها تن از نامزدهای انتخاباتی رد صلاحیت شدند در ص ۲

صدها تن از نامزدهای انتخابات رد صلاحیت شدند

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن این محدودیت های غیر قانونی و ضد دموکراتیک همه نیروهای ملی و مترقی را به اعتراض یکپارچه بر ضد این اقدام فرا می خواند.

پیمان در همین مصاحبه ضمن اشاره به عملکرد غیر قانونی هیأت نظارت، اضافه کرد: «نظارت شورای نگهبان پایه قانونی ندارد. غیر قانونی دانستن احزاب قانونی نیست چرا که آنها در هیچ دادگاهی غیر قانونی شناخته نشده اند. از طرف دیگر حذف نامزدهای انتخابات به دلیل طرز فکر و دیدگاهشان نیز غیر قانونی است...» دکتر پیمان پیش بینی کرد که نامزدهای رد صلاحیت شده نیروهای ملی - مذهبی به طور جمعی به این اقدام هیأت نظارت شورای نگهبان اعتراض خواهند کرد.

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن این محدودیت های غیر قانونی و ضد دموکراتیک شورای نگهبان، که لطمه جدی دیگری به روند گزینش محدود مردم در تعیین نمایندگان وارد می کند، همه نیروهای ملی و مترقی را به اعتراض یکپارچه بر ضد این اقدام فرا می خواند.

در آخرین لحظاتی که «نامه مردم» برای انتشار آماده می شد مطلع شدیم، هیأت نظارت بر انتخابات صدها تن از نامزدهای مستقل و مخالف جناح «ذوب در ولایت» را در تهران و شهرستان ها رد صلاحیت کرده است. بر اساس همین گزارش در تهران از جمله دکتر پیمان، عزت الله سبحانی، عبدالله نوری، علیرضا نوری، عباس عبدی، حمید رضا جلالی پور، هاشم صباغیان، ابراهیم یزدی، اعظم طالقانی، محمد توسلی، هاشم آغاچری رد صلاحیت شده اند. بر اساس همین گزارش ها در استان کرمانشاه ۵۵ نفر نامزد انتخاباتی رد صلاحیت شده اند و در ایلام ۲۱ درصد از نامزدها صلاحیت شان تأیید نشده است.

دکتر پیمان در مصاحبه ای با روزنامه صبح امروز، دوشنبه ۲۰ دی ماه در باره رد شدن صلاحیتش توسط هیأت نظارت شورای نگهبان از جمله گفت: «رد صلاحیت وسیع نامزدهای انتخابات مجلس ششم نباید مردم به ویژه نسل جوان را از تلاش برای برقراری آزادی و حاکمیت ملی نا امید کند.» دکتر

وحدت همچنین اعلام کرد که حاضر است با سایر نیروها لیست مشترک ارائه دهد: «عدم کاندیدای مشترک با طیف محافظه کاران و جریان راست و نیز عدم حضور هاشمی رفسنجانی در لیست مشترک...» شرط ارایه چنین لیست مشترکی است. بر اساس همین گزارش اسامی نامزدهای انتخاباتی دفتر تحکیم وحدت در تهران به شرح زیر است: «عباس عبدی، احمد بورقانی، حمید رضا جلالی پور، بهزاد نبوی، سید علی اکبر موسوی، محسن آرمین، سید هادی خامنه ای، رضا خانمی، الیاس حضرتی، محسن میردامادی، مهدی کروی، داود سلیمانی، عزت الله سبحانی، اعظم طالقانی، میثم سعیدی و غلامباس سعیدی.»

تهدید مخالفان از سوی جنتی

احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان و از چهره های سرشناس جناح «ذوب در ولایت» و مدافع ارتجاع و استبداد، در نماز جمعه این هفته تهران، طی سخنانی ضمن تهدید مخالفان گفت: «بگذارید مردم به کار خود مشغول باشند و آنان را در ماه مبارک وادار به اعمال شر نکنید...» عده ای در مورد انتخابات مشغول تشویش اذهان عموم هستند که پاسخ مقتضی به آنان پس از فرو نشستن گرد و غبارهای موجود داده خواهد شد. «جنتی در همین سخنرانی از قانون انتخابات به عنوان قانونی بد یاد کرد و گفت: «به جای اینکه دلشان به حال ما بسوزد که در ایام ماه مبارک رمضان به امر سنگین انتخابات پرداختیم، علیه ما جو سازی می کنند...» اگر روزی ناچار شویم دلایل رد صلاحیت نامزدهای ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی را اعلام می کنیم... ولی امیدواریم کار به آنجا کشیده نشود و ما نمی خواهیم پرده دری شود که تیرگی دل می آورد.

ادامه قرن بیست و یکم ...

ویکم قرن چپ و قرن سوسیالیسم خواهد بود. اگر به حرکت قانومند و اعتدالی بشریت به سوی آینده بی بهتر باور داریم، نمی توانیم آینده بشریت را فارغ از سرکوب، بی عدالتی، نابرابری اجتماعی و بدبختی نپنداریم. برغم شکست ها و پیروزی ها، برغم یاس ها و عقب گردها، حرکت تاریخ و مارش ترقی، مارش تکامل و تغییرات انقلابی است. ما مطمئنیم که قرن بیست و یکم آستان تغییرات عمده ای خواهد بود و وظیفه چپ مبارزه بی امان و تلاش متحد همراه تمام نیروهایی است که آینده خود را در گرو چنین تغییراتی می بینند. تاریخ چالش عظیمی در مقابل چپ قرار داده است و ما معتقدیم که از آن بر پایه ایده های علمی و ترقی خواهانه موفق بیرون خواهد آمد. ما این موفقیت را به تاریخ مان و از همه بالاتر به نسل های آینده مدیونیم.



«خط قرمز»ها در دوران «سردار سازندگی»

احمد بورقانی، معاون سابق وزارت ارشاد، طی سخنانی که در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی ایراد کرد ضمن نقد سیاست های «دوران سازندگی»، از جمله گفت: «در دوران سازندگی به دلیل اولویت دادن به سیاست های اقتصادی بحث مطبوعات و کار کرد های حقیقی آنها در حاشیه قرار داشت و ما شاهد حضور روز افزون روزنامه های متکثر با دیدگاه ها و نظرات متعدد نبودیم. فضای سیاسی حاکم بر آن دوران نیز موجبات حضور روزنامه ها و مطبوعات متکثر را فراهم نمی کرد. همچنین که خط قرمزهای خود ساخته ای از سوی مسئولان مجال را از فعالیت سیاسی جدی مطبوعات می گرفت.»

بورقانی در توضیح بیشتر این «خط قرمزها» افزود: «برخی از مسئولان به دلیل اینکه با خط مشی نشریه ای مخالفت داشتند بسیاری از مطالب را به عنوان توهین تلقی می کردند و این امر موجب آن می شد که نشریه محدود و یا مجبور به تعطیلی شود.»

بورقانی سپس در توضیح دلایل استعفای خود از وزارت ارشاد گفت: «یکی از دلایل استعفای من وجود برخی برنامه ها بود که خود را قادر به انجام آنها نمی دیدم و دیگر اینکه عده ای احساس می کردند که تمامی مشکلات بواسطه وجود من است که خواستم با استعفا از این پست سوء تفاهم ها را برطرف کنم.»

نامزدهای دفتر تحکیم

وحدت در تهران

شرط ما برای لیست مشترک:

«عدم کاندیدای مشترک با جریان

راست و عدم حضور هاشمی»

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) دفتر تحکیم وحدت با صدور بیانه ای در زمینه انتخابات مجلس ششم از جمله اعلام کرد که: «جنبش دانشجویی رسالت خود را تلاش در راستای برگزاری انتخاباتی سالم و دموکراتیک با مشارکت گسترده آحاد ملت و رقابت آزاد و برابر تمامی گروه های سیاسی ملتزم به چارچوب قانون اساسی می داند.»

در یک موضع گیری مهم دفتر تحکیم

ادامه گزارشی از پیکار کارگران ...

تجمع کارگران بوسیله وزارت کشور، تجمع در محاصره نیروهای انتظامی برگزار شد... این تجمع کارگری به نمایندگی از کارگران سراسر کشور و در اعتراض به سیاست های سازمان تامین اجتماعی و مخالفت با طرح بازنشستگی پیش از موعد انجام گرفت... در این گردهمایی کارگران شعار مرگ بر قانون شکن سر دادند...

یکی از عرصه های مهم پیکار کارگران و زحمتکشان، درگیری آنها با سازمان تامین اجتماعی است که هر روز به دلایل گوناگون از میزان تعهدات خود در قبال کارگران می کاهد. سازمان تامین اجتماعی به دلیل سیاست های ضد کارگری رژیم، به اعتراف قائم مقام این سازمان در آستانه ورشکستگی قرار دارد. کار و کارگر ۲۰ آبان ماه از قول رزاق صادقی نوشت: «در سال ۱۳۵۰ نسبت بیمه شده به مستمری بگیر ۱۳ بود و در سال ۱۳۷۷ این میزان به ۵/۶ کاهش یافت. این کاهش نسبی بیمه شدگان و افزایش نسبی مستمری بگیران زنگ خطری برای منابع سازمان تامین اجتماعی و صندوق سازمان تامین اجتماعی است. زیرا مصارف این سازمان از ۶۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۸۵ درصد در سال ۱۳۷۷ افزایش یافت و در صورت ادامه این روند در سال ۱۳۸۲، نسبت منابع به مصارف به ۹۸ درصد خواهد رسید و در سال ۱۳۷۸ سازمان تامین اجتماعی با ورشکستگی روبرو خواهد شد.»

قابل توجه است که خواست های نمایندگان کارگران در گردهمایی اعتراضی تهران بسیار فراتر از نمایلات ارگان های وابسته به حکومت نظیر «خانه کارگر» و کانون عالی شوراهای اسلامی کار بود. این نهادها در ماه های اخیر نگران از رشد وسیع جنبش اعتراضی کارگران تلاش کرده و می کنند تا با تحمیل عقاید و نظرات خود بر جنبش کارگری از ژرفش و هرچه بیشتر سیاسی شدن آن جلوگیری کنند.

افزون بر گردهمایی کارگران در برابر ساختمان سازمان تامین اجتماعی، در چند ماه اخیر ما شاهد ده ها حرکت اعتراضی بزرگ و کوچک کارگری در سراسر ایران بوده ایم. بسیاری از این حرکت های اعتراضی به دلیل بسته شدن و یا در خطر تعطیلی قرار گرفتن واحد های کارگری بوده است.

کار و کارگر ۱۰ آبان طی گزارشی از ارومیه، می نویسد: «شرکت سجاد پیمانکار شرکت پتروشیمی ارومیه به تازگی ۸۴ تن از کارگران قراردادی را اخراج کرده است. گفته می شود که اکثر این کارگران از سال ها پیش در بخش تعمیر و نگهداری پتروشیمی ارومیه مشغول به کار می باشند و اکنون به دلیل قراردادی بودن، بررغم بیکاری از مزایای بیمه بیکاری محروم هستند. گفته می شود که یک شرکت پیمانکار جدید جایگزین شرکت سابق شده و استخدام مجدد کارگران را مشروط به شرایط جدید کرده است.»

کار و کارگر در همان شماره خبر از تعطیلی تولیدی نوشابه بروجرد به علت مشکلات نقدینگی و ایراد در پروانه بهداشتی داده است. بنا به همین گزارش ۶۴ نفر از کارگران شاغل در این کارخانه از کار بیکار شدند. دلیل نگرفتن پروانه بهداشتی، نداشتن دستگاه های پاستوریزه و چیلر عنوان شده است. این ادعا در صورتی است که از افتتاح این کارخانه مدت زیادی نمی گذرد.

ابوطالبی نماینده کارگری رژیم در مناطق جنوبی طی سخنانی با اشاره به قراردادهای موقت و استئمار کارگران کارخانه های خوزستان توسط شرکت های کاذب پیمانکاری و از جمله کارگران قراردادی پروژه تزریق گاز کرنج گفت: «چندین سال است که وضعیت جمعی از کارگران شاغل در این پروژه مشخص نیست. نه قراردادی با آنان منعقد شده و نه مزایا و تسهیلات قانونی شامل حال آنان می شود و اگر زبان به اعتراض بکشایند، پاسخ شان اخراج خواهد بود.»

وزیر کار رژیم جمهوری اسلامی، با توجه به اعمال سیاست های اعمال شده از طرف دولت مبنی بر خصوصی سازی واحدهای تولیدی اعتراف کرد که: «روند خصوصی سازی به ویژه واگذاری واحدهای تولیدی به بخش خصوصی، علیرغم فلسفه اصلی آن که کارآمد ساختن واحدها و افزایش بهره وری است در کشور ما به رها سازی مسئولیت از سوی دولت و واگذاری به افراد غیر از تولیدکنندگان و نهایتاً تعطیلی کارگاه و اخراج کارگران و یا عدم پرداخت حقوق آنان منجر شده و این امر بیش از همه امنیت شغلی کارگران را تهدید می کند.» وی اعتراف کرد که در ایران بلافاصله پس از واگذاری واحدهای تولیدی به بخش خصوصی شاهد اخراج گسترده نیروی کار هستیم.

جمعی از کارگران قراردادی شرکت «اطلاعات ۱۱۸» در اعتراض به شرایط کاری تحمیل شده به کارگران می گویند: «در اینجا بر خلاف آن چه که مردم فکر می کنند از حقوق و مزایایی حتی اندک هم خبری نیست. در اینجا از امکانات رفاهی خبری نیست و حرف اول و آخر مسئولین اداره این است که شما کارگر پیمانکاری، حق حرف زدن و نظر دادن را ندارید. حقوق دریافتی اینجا بر خلاف قانون کار که باید ساعتی ۱۷۰ تومان باشد ساعتی ۹۰ یا ۱۰۰ تومان می

باشد. مرخصی های ما تماماً بدون حقوق است. خود قضاوت کنید این سیستم به مناقصه شباهت دارد یا به استئمار و استعمار کردن قشر ضعیف و محروم به خاطر ضعف اقتصادی، مناقصه است یا بهره کشی و سوء استفاده از فقر عده ای در جامعه؟ حداقل چیزی که از کارفرما به کارگر می رسد ممکن است روزی یک لیوان یا دو لیوان چای باشد که گاهی اوقات نیز حذف می شود.»

در اعتراض به همین سیاست هاست که در ماه های اخیر دهها حرکت اعتراضی کارگری سازمان دهی شده است از جمله:

در ششم آذر ماه، ۱۳۰ کارگر شرکت پارس آرن، با سابقه کاری ۲۵ سال، ضمن اعتراض به فشارهایی که به آنها مبنی بر باز خرید اجباری می شود، خواستار رسیدن سی - سی و سه شغلی خود شده اند.

بر اساس گزارش روزنامه کار و کارگر، ۲۲ مهرماه، کارگران شرکت خزر خز شهرستان شسوار (تنگابن) در اعتراض به توطئه دولت و کارفرمایان برای تعطیلی کارخانه دست به حرکات اعتراضی گوناگونی زدند. بر اساس همین گزارش کارگران در سطح شهر دست به راه پیمایی زدند و در برابر شهرداری نشتارود و فرمانداری شسوار اجتماع کردند. خواست کارگران جلوگیری از تعطیلی کارخانه، دریافت عیدی، پاداش و حقوق معوقه خود و همچنین افزایش سطح دستمزدها مطابق نرخ واقعی تورم بود.

روزنامه اخبار اقتصاد، ۲۲ مهرماه، خبر اعتصاب در کارخانه ریسندگی سمنان را درج کرد. کارگران مبارز این کارخانه دست از کار کشیده و با برپایی یک راهپیمایی در سطح شهر در مقابل فرمانداری سمنان اجتماع کردند. خواست کارگران اعتصابی دریافت حقوق معوقه خود بود. بر اساس همین گزارش کارگران این کارخانه نزدیک به یکسال است که حقوقی دریافت نکرده اند.

کارگران شهرداری ایلام نیز در یک حرکت اعتراضی در مهرماه سال جاری در مقابل شهرداری اجتماع کرده و با امضاء طوماری خواستار دریافت حقوق اضافه کاری خود که به مدت ۱۵ ماه به تعویق افتاده است شدند. در طومار امضاء شده از سوی کارگران از جمله آمده است: «دیگر تحمل گرسنگی را نداریم. خواستار رسیدگی به وضع خود هستیم.» معاون اداری مالی شهرداری ایلام اعلام کرد که شهرداری ایلام بیش از ۱۲ میلیارد ریال به دولت و موسسات خصوصی بدهکار است و قادر به تأمین بودجه خود و پرداخت دستمزد کارکنان و کارگران شهرداری نیست.

در استان خوزستان که یکی از مراکز عمده صنعتی و کارگری مهن ماست، طی سه ماه گذشته اعتصاب ها و حرکات کارگری گوناگونی که شماری از آنها آشکارا جنبه سیاسی داشته اند سازمان دهی شده است. در اواسط مهرماه بیش از ۴۰۰ تن از کارگران لوله سازی اهواز در اعتراض به حقوق معوقه خود و نیز خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در مقابل استانداری خوزستان در اهواز گرد آمدند و به دادن شعار پرداختند... این حرکت پس از چند ساعت با دخالت نیروهای انتظامی و بسیج پایان یافت.

در اوایل مهرماه کارآموزان شرکت ملی نفت اهواز به علت خودداری مسئولان شرکت نفت از استخدام رسمی آنها دست به راه پیمایی زدند و در مقابل ساختمان این شرکت تحصن کردند. نماینده کارآموزان اعتصابی در سخنرانی خود از جمله یادآور شد: «شرکت نفت ما کارآموزان را که دوره های تخصصی را از سر گذرانده ایم و آموزش دیده ایم استخدام نمی کند اما بستگان و افراد دیگری را که با پارتی بازی معرفی می شوند حتی بدون تخصص و آموزش استخدام رسمی کرده و به پست های حساس می گمارد.» لازم به تذکر است که دوره آموزشی کارمندان شرکت نفت چهار سال است و بر اساس قانون شرکت نفت استخدام رسمی کارآموزان پس از طی این دوره الزامی است.

از جمله حرکات اعتراضی بسیار مهم در چندماه گذشته، اعتراض بیش از ۲۰۰۰ نفر از کارگران و کارمندان شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی بود. کارگران، با تجمع در محوطه این شرکت ضمن دادن شعارهایی بر ضد بیکاری و عدم امنیت شغلی طوماری را به طور جمعی امضاء کرده و خواستار توقف فوری روند خصوصی سازی و تعدیل نیروی انسانی شدند. در طومار کارگران از جمله ذکر شده بود: «اگر شعار دولت و هدف آن اشتغال و مبارزه با بیکاری است، پس تعدیل نیروی انسانی چیست؟»

بر اساس گزارش روزنامه اخبار اقتصاد: «کل کارکنان وزارت نفت ۱۴۰ هزار نفر هستند و طبق بخشنامه با اجرای سیاست تعدیل بیش از ۴۰ هزار نفر مشمول طرح خواهند شد.» این تجمع بزرگ کارگری مورد استقبال گرم نفعگران واقع شد.

ادامه در صفحه ۶

**آزادی برای همه زندانیان
سیاسی ایران!**

قرن بیست و یکم، قرن ...

ماجرای جوانان جهان خواران نو استعماری موانع جدی ایجاد گردید. بطور همزمان قرن بیستم شاهد ترازوی ها و فجایع انسانی بود که مسئولیت آن به دوش امپریالیسم است. زحمتکش جهان قربانیان دو جنگ جهانی، صدها جنگ منطقه ای و تحمیل رژیم های دیکتاتوری و فاشیستی در تعدادی از کشور ها بوده اند. انسانیت، فاجعه هسته ای، تهدید انفجار و نابودی هسته ای، نو استعمار و نابودی خلق ها را در روند آزمایش فرا آورده های «علمی» تجربه کرد. پایان قرن بیستم، هم چنین یک قدم عمده به عقب را که بشریت برای آن بهایی گزاف خواهد پرداخت به همراه داشت. نقض و اجرای ناقص و اشتباه آمیز اصول سوسیالیستی، تضعیف دموکراسی، بیگانگی نیروی کار از وسایل تولید و عدم شرکت آن در اداره ثروت عمومی، چشم پوشیدن بر قوانین اساسی تکامل اقتصادی، تحریف نقش پیشاهنگ حزب و حتی ارتکاب برخی سیاست های مخرب، در پوشش سوسیالیسم، در کشور های سوسیالیستی منجر به ایجاد وضعیتی شد که به هر چیزی شباهت داشت مگر به بیش مارکس، انگلس، لنین و بسیاری دیگر از رهبران و میلیون ها مبارز اندیشه های کمونیستی. درون صفوف جامعه سوسیالیستی، در اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی، تضادهای خصمانه ای تظاهر پیدا کرد که با سوسیالیسم بیگانه بود. امپریالیسم که هیچ گاه از توطئه برضد سوسیالیسم دست نکشیده بود، موبدیان و توطئه گران از همه مشکلاتی که به وجود آمده بود بهره گرفت. در وضعیت بغرنج و پیچیده ای که از اواسط دهه ۷۰ شروع به شکل گیری کرد، ارتجاعی ترین محافل راست در کشورهای امپریالیستی در همگامی و وحدت عمل کامل با رهبران واتیکان، با گسترش جنگ سرد، تشدید مبارزه و تسلیحاتی، آغاز یک تعرض همه جانبه ایدئولوژیک، بر پایه کسب نفوذ در عرصه تکنولوژیک و اقتصاد، توانستند در انتهای دهه ۸۰ میلادی ابتکار عمل در عرصه جهانی را در دست بگیرند.

در نتیجه جنایاتی که بر ضد سوسیالیسم و بشریت صورت گرفته است امروز ما در طلوع هزاره جدید شاهد به اصطلاح «نظم نوین جهانی» بی هستیم که از طریق به کارگیری خشونت محض توسط امپریالیسم امریکانحلیل می شود. گرچه این «نظم نوین» در پوشش شعارهای جذاب، نظیر عدالت بین المللی، دموکراسی، آزادی و حقوق بشر پیچیده شده است، محتوای آن جز نقض فاحش منشور سازمان ملل، نقض قوانین بین المللی، بی توجهی کامل به سازمان ملل و تحمیل «حق» قدرتمندان از طریق آتش و خون چیز دیگری نیست. آنانی که خود را ژاندارم جهانی می دانند در کوشش بوده اند که قوانین جدیدی را در قانون بین المللی جاری کنند که به آنها حق می دهد که به باور آنان دموکراسی، حقوق بشر و اقلیت های ملی، بر پایه برداشت های آنان، به خطر افتاد، مداخله کنند. ولی واقعیت این است که دورویی، دروغ، تزویر، سیاست یک بام و دو هوا و بی رحمی و شقاوت سکه های رایج در این گونه معاملات بین المللی امپریالیسم است. واقعیت اینست که آنان که خود را رهبر «نظم نوین جهانی» می پندارند، فقط نگران منافع استراتژیک و اقتصادی خود بوده و در راستای آن مرتکب نقض هر ادراکی از حقوق دموکراتیک و انسانی می شوند. «نظم جدید جهانی» منافع انحصارها و کمپانی های چند ملیتی را می گسترد و بر این اساس طرح ریزی شده است. در همه نقاط جهان شاهد تهاجم چند جانبه سرمایه برضد دستاوردها و سطح زندگی کارگران، برضد هر آنچه که آنها با مبارزات طولانی و خونین کسب کرده اند روبه روایم.

و تازه همه این را به نام مدرنیزاسیون، پراگماتیسم و پیشرفت، به خورد مردم می دهند. «نظم جدید» اوضاع فقط برضد استقلال کشورهای کوچک و ضعیف و یا حقوق کارگران نیست. ما امروز شاهد روند بی اعتبار قلمداد شدن ارزش های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی هستیم که حاصل جنگ های خونین و مبارزات طبقاتی است. امروز حتی شاهد به تحلیل رفتن پایه های دموکراسی بورژوازی هستیم. برآستی چه گونه دموکراسی ای باقی خواهد ماند وقتی که همه امور تحت الشعاع منافع انحصارهاست، یعنی غول اقتصادی که وسایل ارتباطات جمعی و سیستم بانکداری بین المللی را تحت کنترل دارند. امروز سرمایه داری در نبود هر گونه رقیبی پیروز و غالب به نظر می رسد، نمایندگان آن با تبخیر و غرور عمل می کنند و ایدئولوگ ها و مداحان آن در تمجید آن به مداحی نشسته اند. ولی آنها از توضیح این حقیقت ناتوانند که چرا جهانی که از نظر امکانات، دانش علمی، دارای هر گونه ابزار و زیر بنای تکنولوژیک است، از فراهم آوردن زندگی شایسته و قابل قبولی برای همه مردم عاجز است و در عوض به وفور شاهد گرسنگی، فقر، بیچارگی، بیماری، بیکاری و نگرانی در مورد آینده هستیم. ارقام و فاکت های مشخص در مورد فقر و گرسنگی و جحدمان هر انسان شرافتمندی را به سختی می آزد. بر طبق بیانیه رئیس بانک جهانی، از مجموع شش میلیارد جمعیت کره زمین، سه میلیارد نفر، یعنی نیمی از مردم جهان، قادر نیستند بیش از دو دلار در روز درآمد داشته باشند. امروز در مقایسه با دهسال پیش صد میلیون نفر بیشتر فقیر وجود دارد. ۱۲۵ میلیون کودک نمی توانند به مدرسه بروند. در آفریقا، بیماری ایدز متوسط عمر را به میزان ۱۷ سال کاهش داده است. این پدیده ها به

کشورهای در حال توسعه که در گذشته توسط استعمارگران غارت می شدند و امروز دوباره قربانیان همان مراکز استثمار نو استعماری اند، بیشتر فشار می آورد. میزان بدهی این کشورها به رقم نجومی ۲/۲ تریلیون دلار رسیده است. امپریالیست ها برای نمایش بزرگواری خود مدعی دادن «کمک» به کشورهای به اصطلاح جهان سوم هستند. ولی، در مقابل هر دلاری که امپریالیست ها به عنوان «کمک» خرج می کنند ۹ دلار در باز پرداخت بدهی دریافت می کنند. نیازی به اشاره به این حقیقت نیست که بخش عمده این کمک در رابطه با فروش تسلیحات است که به نوبه خود تسهیل کننده وقوع جنگ ها بر سر مسایل نژادی، اختلافات مرزی و منطقه ای است.

پدیده فقر مختص کشورهای جهان سوم نیست بلکه این امر در گوشه و کنار همه کشورهای عمده و از نظر اقتصادی توسعه یافته سرمایه داری غرب حقیقتی روزمره است. برای مثال ۱۳/۵ درصد جمعیت انگلستان در زیر خط فقر زندگی می کنند. در ایالات متحده ۳۶/۵ میلیون نفر در فقر بسر می برند. این پدیده ها نه فقط تخفیف نمی یابند بلکه بر عکس ابعاد وسیع تری بخود می گیرند و بهمراه فاجعه اکولوژیک که محصول سودجویی غیر اخلاقی سرمایه داران است ادامه حیات انسان را مورد تهدید جدی قرار داده است. در روبرویی با چنین واقعیتی طرفداران و مشاطه گران سرمایه داری توضیحی نداشته و جرئت ارائه هیچ پاسخی را ندارند. زیرا ریشه بدبختی در طبیعت استثمارگرانه سیستمی است که آنان مدافع آن هستند، در ذات غیر انسانی سیستم اجتماعی ای که ارزش ها، ایده آل ها و انسان هارا به کالا بدل کرده و زندگی انسان را بی ارزش و پیشرفت را فقط از طریق معیار سودهای نجومی انحصارات و نوسانات بازار سهام اندازه می گیرد البته کسانی هم وجود دارند که راه های حل را در به اصطلاح راه سوم و راه چهارم، فارغ از مبارزات اجتماعی و برخورد های طبقاتی، که به باور آنها مسخره، کهنه و مردود شماره می شوند، جستجو می کنند.

سوسیال دموکراسی نه فقط در این مسیر پیروزی ای نخواهد داشت بلکه عملا در جهت نفی آنچه که خود مدعی آن بوده عمل می کند

خوشبینی تاریخی

برغم این تصویر غم انگیز، ما به آینده بدبین نیستیم. ما به آینده خوشبینیم نه بخاطر اینکه ما بطور علاج ناپذیری روماتیسم و سرسختانه به یک آرمان شهر وابسته ایم. خوشبینی ما به آینده ریشه در درک ما از قوانین عینی حاکم بر جامعه انسانی دارد. کم نبودند کسانی که یک دهه پیش از این از مرگ مارکسیسم و پایان تاریخ سخن می گفتند. لیکن حتی رخدادهای همین یک دهه برای افشای حماقت آمیز بودن چنین ادعاهایی کافی است. سرمایه داری در تمامی کشورهای سوسیالیستی سابق فقر گسترده و مشکلات اجتماعی بی سابقه ای را به ارمغان آورده است و اکثریت مردم این کشورها ارجحیت راه حل های سوسیالیستی را پذیرفته و بطور فعالی در جهت تحقق دوباره آن به مبارزه برخاسته اند. این حقیقت که برغم تمامی تقلب های آشکار و استفاده غیر قانونی از تمامی امکانات دولتی و بسیج رسانه های جمعی که از سوی سرمایه داری کنترل می شوند، حزب کمونیست روسیه در انتخابات اخیر به مثابه قدرتمند ترین حزب سیاسی روسیه تجلی کرد، منعکس کننده این واقعیات است. پایین کشیدن پرچم سرخ از فراز کرملین در نه سال پیش پایان مبارزه برای سوسیالیسم نبود، بلکه شروعی جدید را رقم زد. لوکوموتیو تاریخ یکبار دیگر در حرکت قانونمند خود می باشد. تضادهای بین سرمایه و نیروی کار به مبارزات اجتماعی نوینی منتهی شده که در آن زحمتکشان که اکنون بطور عینی اکثریت عظیم بشریت را تشکیل می دهند، قادر به رهبری مبارزه تغییرات کیفی در جهت پایه ریزی جوامع سوسیالیستی جدید هستند. این مبارزه ای است که خواب قدرتمندان را آشفتگی کرده و اساس «نظم نوین جهانی» را به لرزه در آورده است. همانگونه که در آذر ماه جاری در سیاتل شاهد آن بودیم حتی در ایالات متحده آمریکا، محور رهبری کننده امپریالیسم جهانی، مبارزه زحمتکشان برضد سیاست های سرمایه داری در سایه سازمان دهی، تشکل و وحدت مبارزاتی آنان قادر به کسب پیروزی است. به موازات چنین مبارزاتی است که اندیشه سوسیالیسم به عنوان جایگزین واقعی دوباره در مباحثات مطرح می شود. این تصادفی نیست که نظر خواهی گالوپ که توسط آژانس خبری بی بی سی انجام گردید اخیراً مارکس را به عنوان شخصیت برجسته «هزاره دوم» اعلام کرد. و باز این تصادفی نیست که کیسنجر، سیاستمدار کهنه کار آمریکایی، نگرانی خود را از اینکه دوران ما باردیگر به تولد مارکس جدیدی بیانجامد، اعلام کرد. البته ما به خود به خودی بودن چنین تحولاتی دل نبسته ایم. نقش پیشاهنگی که همیشه با ترقی اجتماعی مقارن بوده است تعیین کننده است. چه باید گشاینده راهها، افزایشنده انتظارات، پیامبر امید بخشی و نشان دهنده راه برون رفت از بن بست ها باشد. چه باید از تمدن در مقابل بربریت سرمایه داری دفاع کند. نیروهای مدافع زحمتکشان، مبارزات جدیدی را آغاز کرده و مقاومت در مقابل «نظم نوین جهانی»، تهاجم به مواضع نولیبرالیسم را سازمان می دهند. چه با تدقیق برداشت های جنبش از مارکسیسم، لنینیسم و سوسیالیسم علمی در تلاشی شکوهمند برای تدارک انقلاب اجتماعی نوین است.

در این اولین روزهای هزاره جدید ما به پیروزی تاریخی خود اعتقاد داریم. قرن بیست و یکم نمی تواند و نباید نسخه بدل قرن بیستم باشد ولی ما مطمئنیم که قرن بیست

ادامه انتخابات دوما، استعفای یلتسین و ...

زیوگانوف در روز ۲۹ آذر ماه در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت که حزب کمونیست فدراسیون روسیه توانسته است بر رغم کارزار بهتان و دروغ نیروهای طرفدار دولت موقعیت خود را حفظ کند. «حزب ما، حزب کمونیست فدراسیون روسیه، نقش کلیدی در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور ما بازی کرده و ایفاء خواهد کرد... مردم بر رغم شعارهای کر کننده از نیروهای ضد کمونیستی در کشور حمایت نکردند» زیوگانوف گفت که، کمونیست ها تفوق ایدئولوژیک خود را در روسیه حفظ کرده اند، چرا که هیچ یک از احزاب عمده روسیه پیامی برای رای دهندگان نداشتند. او گفت مجموعه احزاب راست و میانه «برای هیچ کدام از سئوالاتی که توسط رای دهندگان مطرح شده بود در هیچ عرصه ای از جمله اقتصاد، مسائل اجتماعی، بازنشستگی و مالیات و مسایل دیگر پاسخ نداشتند».

زیوگانوف رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه در روز ۲۹ آذر ماه گفت که کمونیست ها در دومای جدید با همه نیروها به غیر از «اتحادیه نیروهای دست راستی» و نیز گروه ساووا راست به رهبری ولادیمیر ژیرینوفسکی همکاری خواهند کرد. همچنین نیکلای ژیرکوف در ۳۰ آذر ماه از حمایت متحدانه زیوگانوف و یوگنی پریماکوف از تشکیل یک گروه پارلمانی مدافع صنایع سخن گفته است. همانگونه که پیش تر اشاره شد این موفقیت حزب کمونیست در شرایطی بدست آمد که بر طبق اعتراف ناظران بی طرف بین المللی عملکرد رسانه های گروهی به شدت یک سویه و دستگاه دولتی علنا به نفع نیروهای طرفدار کرملین مستقیما در کارزار انتخاباتی مداخله می کرد. این ناظران گستردگی تخلفات انتخابات اخیر را به مراتب از انتخابات قبلی در سال ۱۹۹۵ منفی تر ارزیابی می کردند. ارنست مولمان، معاون صدر مجمع پارلمانی شوروی اروپا، در ۳۰ آذر ماه «نوبه ایزوستیا» گفت که تخلف های فراوانی از قوانین انتخاباتی در طول انتخابات صورت گرفته است و مقامات دولتی محلی از موقعیت خود برای تاثیر گذاری بر نتیجه انتخابات استفاده کرده اند. رسانه های گروهی مستقیما به نفع بلوک «وحدت» و نیز بلوک «میهن-همه روسیه» وارد کارزار انتخاباتی گردیدند. لجن پراکنی شبکه تلویزیون عمومی روسیه (ORT) که توسط کرملین کنترل می گردد و شبکه (NTV) که تحت کنترل بلوک «میهن-همه روسیه» است بر ضد نیروهای مخالف خود بی سابقه بوده است.

تلاش های مذبحانه

در چنین شرایطی، سردمداران کرملین، برای تقویت کاندیدای خود در انتخابات ریاست جمهوری آینده، دست به یک معامله رسوا زده و بوریس یلتسین در مقابل کسب مصونیت خود و خانواده اش از هر گونه تعقیب جنایی، بازداشت و بازجویی، از مقام خود استعفا کرد و پست ریاست جمهوری را به ولادیمیر پوتین واگذار کرد. هدف اصلی یلتسین از چنین اقدامی، تقویت موقعیت پوتین و جلوگیری از پیروزی کاندیداهای کمونیست در انتخابات آینده است. یلتسین در توضیح دلایل استعفا خود به این اشاره کرد «وقتی که ملت یک رهبر قدرتمند دارد که آمادگی ریاست جمهوری بودن را دارد» ادامه کار او دیگر ضروری نیست. دیگر دست اندرکاران حکومتی روسیه نیز این گونه تبلیغ می کنند که گویا پوتین هم اکنون انتخاب شده است. ویکتور چرنومیردین نخست وزیر اسبق در ۱۰ دی ماه به رادیو «اکوسکو» گفت که «کاندیدای ریاست

جمهوری که معادل ولادیمیر پوتین باشد وجود ندارد و من از او حمایت خواهم کرد.» رهبران صنایع گاز و آلومینیوم نیز اظهار داشته اند که سرمایه داران بزرگ از کاندیداتوری پوتین حمایت خواهند کرد. معضل محافل حاکمه در کرملین این است که تنها مهره آنها که شانس برای مقاومت در مقابل کاندیدای حزب کمونیست خواهد داشت، ولادیمیر پوتین است. و عامل اصلی در چنین ارزیابی ای حمایت ۲۲ درصد رای دهندگان از بلوک انتخاباتی «وحدت» در انتخابات دوما می باشد. البته آنچه در این ارزیابی از نظر دور مانده است دلایل بعضا متضاد رای دهندگان برای چنین حمایتی بود. ولادیمیر پوتین خود را مدافع ایجاد یک دولت پر قدرت در روسیه با هدف تثبیت سیاسی کشور معکوس نمودن روند تجزیه بیشتر روسیه اعلام کرده است. ادامه درگیری های نظامی بر ضد چین بخش اساسی چنین سیاستی می باشد. اما باید توجه داشت که کشورهای سرمایه داری به طور فزاینده ای به انتقاد از موضع روسیه در رابطه با چین پرداخته اند. ساندی برگر - مشاور امنیتی ملی ایالات متحده در روز ۱۲ دی ماه به شبکه «ا.بی.سی» آمریکا گفت که درگیری چین «اکنون برای پوتین یک معضل شده است. اگر او نتواند که این درگیری را سریعاً خاتمه دهد، و به یک پایان صلح آمیز برساند، اگر خسارات ناشی از آن برای روسیه گسترده تر شود، می تواند در انتخابات ریاست جمهوری به طوق لعنتی بر گردن پوتین بدل شود.» واشنگتن پست نیز در شماره ۱۲ دی ماه مستقیما به انتقاد از مواضع پوتین در رابطه با جنگ در چین پرداخت. نشریات عمده سرمایه داری نظیر نیویورک تایمز، واشنگتن پست و تایمز مالی با اشاره به سابقه پوتین به عنوان یک رهبر کا. گ. ب پیشینه او و شیوه مطرح شدن و صعود او علنا به اظهار نگرانی پرداخته اند. بوش کاندیدای جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا گفته است که «نباید به روسیه اجازه داد که سیاست خارجی ای که در راستای منافع ملی ایالات متحده نیست، دنبال کند.» و برخی محافل مطلع از تغییر کیفی روابط روسیه و آمریکا، پس از یلتسین سخن می گویند. این عوامل نمی تواند در جهت گیری ولادیمیر پوتین و حامیان او بی تاثیر باشد و لذا محتمل است که حامیان انتخاباتی پوتین سه ماه بعد با انتخاب متفاوتی مواجه باشند و رای ای متفاوت بدهند. بلوک «وحدت» برای کسب اکثریت نیاز به جلب حمایت «اتحادیه نیروهای دست راستی» و نیز ناسیونالیست های افراطی به رهبری ژیرینوفسکی دارد و این خود می تواند در شرایطی که مردم روسیه عملا طرفداری خود از برنامه بازسازی و اعاده عدالت اجتماعی را اعلام کرده اند- به تقویت موضع نیروهای چپ و کاندیدای آنان بینجامد. نباید فراموش کرد که کاندیدای راست برای پیروزی به کمک رسمی کشورهای سرمایه داری نیاز دارد و در روسیه در سال های اخیر جو ضد امپریالیستی، ضد ناتو، ضد صندوق بین المللی پول تقویت یافته است. حزب کمونیست فدراسیون روسیه و موثلفان آن بر پایه برنامه روشن و تدوین شده در انتخابات آینده شانس فراوانی برای پیروزی دارند.

ادامه بخش هایی از سخنرانی ...

و اختلاف برانگیز باشد. مطمئنا تفاوت های بزرگی بین بسیاری از کشورهای شمال و جنوب در رابطه با توسعه، تقسیم ثروت، فرصت های فرهنگی و پیشرفت علمی وجود دارد. به هر حال اختلاف اصلی در جهان بین قدرت سرمایه بین المللی و حقوق و منافع مردم زحمتکش و خانواده های آنان است و محل استقرار و عمل کرد سرمایه تاثیر چندانی بر این امر ندارد.

- امپریالیسم از صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی به عنوان ابزاری برای منتفی کردن هر چه بیشتر امکان توسعه مستقل کشورها استفاده می کند.

- «جهانی شدن» سرمایه داری انعکاس یک تلاش عامدانه و آگاهانه به منظور جلوگیری از بروز حادترین مشکلات سرمایه داری و طولانی کردن تسلط جهانی آن است. سیاست توافق چند جانبه برای سرمایه گذاری که تحت نام «ام-۱-آی» معروف شده است نشان دهنده این حقیقت است که کمپانی های فراملی فقط حریص تر می شوند.

- کوشش ثروتمندترین کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) برای حصول توافقی برای تسهیل سرمایه گذاری خارجی توسط شرکت های فراملی نمونه ای است از آنچه که «جهانی شدن» برای مردم جهان در پی خواهد داشت. تحت شرایط طرح «توافق چند جانبه برای سرمایه گذاری» هیچ کشوری محق به قانون گذاری به نفع صنایع محلی و یا تولید کنندگان ملی خود نخواهد بود. این امر به معنای انتقال حق کنترل دمکراتیک به شرکت های فراملی می باشد. «ام-۱-آی» به طور برجسته ای به شرکت های فراملی کمک می کند که فشار خود را برای نفی کنترل های سرمایه گذاری دولت های ملی خودکفا و ساختارهای دمکراتیک، تحت این ادعا که این مقولات بازدارنده سود می باشند، ادامه دهند.

اینها بعضی از مشخصه های دوران کنونیاند. اما، این موضوع حیاتی است که تضادهای این دوران را تشخیص دهیم. هرچند که موازنه نیروها در حال حاضر به نفع امپریالیسم است و لی همانگونه که تظاهرات اعتراضی در جریان مذاکرات اجلاس سازمان تجارت جهانی در سیاتل نشان داد، اعتراضات ضد جنگ در اروپا در دوران جنگ اخیر ناتو بر ضد یوگسلاوی، تحولات مثبت در رابطه با خود مختاری در فلسطین و ایرلند شمالی، مبارزه قهرمانانه کوبا و موج اعتراضات رشد یابنده در کشور ما بر ضد دیکتاتوری فاجعه بار تئو کراسی حاکم، همه نشان دهنده امکان مقاومت است. علاوه بر این، جهانی شدن، نه فقط قوانین توسعه سرمایه داری را آن گونه که توسط سوسیالیسم علمی توضیح داده شده است، رد نمی کند، بلکه نتیجه گیری های پایه ای آن را تأیید می کند. سرمایه داری جهانی به صلح نمی انجامد. سرمایه داری جهانی به آزادی همه جانبه و یا به برابری نمی انجامد، و نمی تواند چنین فرجامی داشته باشد.

تنها سوسیالیسم کلید دستیابی به چنین اهدافی را داراست، و زمان آن دیگر بار فرا خواهد رسید. متشکرم.

ادامه هاشمی رفسنجانی...

موتلفه، کلان سرمایه دار بازار و از چهره های بسیار با نفوذ چماق داری و سرکوب در سخنرانی بی در دانشگاه برق خواجه نصیر الدین طوسی انجام داد، ضمن دفاع شدید از رفسنجانی، حمله به او را از توطئه های استکبار دانست. بادامچیان در مقابل این سوال که چرا می خواهید از رفسنجانی قدیس بسازید، گفت: «اگر من از آقای هاشمی رفسنجانی دفاع می کنم به عنوان وظیفه است. چه کسی می خواهد هاشمی را قدیس کند امروز یکسری سیاستمداران این است که می خواهند آقای هاشمی را بشکنند و این از نقشه های استکبار است» (روزنامه عصر آزادگان، سه شنبه ۱۴ دی ماه ۱۳۷۸).

بر این اساس، روشن است که پس از دو سال مانور و دفاع ظاهری از شعارهایی همچون آزادی و جامعه مدنی، گروه کارگزاران سازندگی، و در رأس آنها هاشمی رفسنجانی، به عنوان نیروی ذخیره ارتجاع و استبداد حاکم، در مقطع مهمی حساب خود را از جبهه دوم خرداد جدا می کند. این پدیده برخلاف ابراز تأسف شماری از شخصیت های سیاسی - اجتماعی نه تنها پدیده نا میمونی نیست بلکه پدیده ای است که باید از آن استقبال کرد. هاشمی رفسنجانی در بیست سال گذشته نقش فوق العاده مخرب و فاجعه باری در حیات سیاسی میهن ما داشته است و افشای کامل او به عنوان یکی از مسببین اصلی فاجعه کنونی، دست آوردی است برای جنبش. فراموش نکنیم که به هنگام روی کار آمدن رفسنجانی، پس از مرگ خمینی، کم نبودند نیروهایی که با توهم نسبت به ماهیت این بند باز کهنه کار وی را «مرد پراگماتیک» رژیم نامیدند و امیدوار بودند تا از طریق او ایران را به سمت اصلاحات ببرند. دوران حکومت ائتلافی رفسنجانی و خامنه ای یکی از فاجعه بارترین دوره ها از نظر تشدید بحران اقتصادی-اجتماعی و تلاش برای تثبیت حکومت استبدادی حاکم بوده است. سرکوب های خونین قیام های مردمی در قزوین، اسلام شهر، شیراز و بسیاری از شهرهای دیگر ایران سندی روشن میزان «آزادی خواهی» رفسنجانی و شرکاست. رسوایی بیش از پیش رفسنجانی و تلاش وسیع برای شکست مفتضحانه او در جریان انتخابات مجلس ششم، وظیفه مهمی است که همه نیروهای معتقد به آزادی و جامعه مدنی باید با تمام توان دنبال کنند.

نکته دیگر اینکه: ما قبلاً گفته بودیم که جبهه ائتلافی دوم خرداد، به دلیل طیف وسیع و نامهمگون گروه ها و نیروهای آن در خطر انواع و اقسام انحرافات و سازش کردن به قصد «حفظ نظام» قرار دارد. وجود نیروهایی همچون کارگزاران سازندگی، و نیروهایی که در تحلیل نهایی حفظ «نظام» یوسیده و ارتجاعی «ولایت فقیه» را بر منافع توده ها و مردم زحمتکش ترجیح می دهند، در کنار زلزله، مماشات و سکوت رهبری ائتلاف دوم خرداد، از جمله خود سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری، در مقاطع بسیار حساس و سرنوشت ساز از معضلات مهمی است که همچنان در برابر ائتلاف دوم خرداد قرار دارد. واقعیت این است که، ائتلاف دوم خرداد هنوز نتوانسته است یک برنامه سیاسی مدون را برای دستیابی به آزادی و جامعه مدنی ارائه دهد. در نبود چنین برنامه مشخصی، بدیهی است که نیروهای گوناگون حاضر در جبهه تلاش می کنند تا نظرات و برنامه های گروهی خود را به این ائتلاف تحمیل کرده و آن را به سوی اهداف گروهی خود بکشانند.

آنچه باید از تجربه گروه کارگزاران سازندگی و نقش رفسنجانی و رفسنجانی ها آموخت این است که، جنبش مردمی باید با اتکاء به توان و نیروی خود در راه استقرار آزادی و جامعه مدنی به پیکار ادامه دهد. جنبش کارگران و زحمتکشان میهن، در کنار جنبش دانشجویی و زنان مبارز و پیکار جو پایه های اساسی جنبش آزادی خواهانه میهن ما را تشکیل می دهند، و تنها با اتکاء به همین نیرو و خواست های مردمی آنانست که می توان نسبت به آینده با خوشبینی نگریست.

آنچه مسلم است این که، با تشدید مبارزه و رادیکالیزه تر شدن جنبش، شخصیت ها، گروه ها و سازمان های سیاسی نیز ناچار خواهند بود جایگاه خود را به شکل قطعی تر در کنار و یا در مقابل جنبش مردمی روشن کنند. نیروهایی که منافع خود را در حفظ «نظام» کنونی می بینند بی شک دیر یا زود ناچار خواهند بود همچون رفسنجانی ها نقاب از چهره برداشته و در مقابل جنبش قرار بگیرند. مهم این است که جنبش با سازمان دهی و انسجام خود آماده مقابله با چنین خطراتی باشد. توده های عظیم مردم خواستار استقرار آزادی و عدالت اجتماعی اند و ما همچنان که بارها گفته ایم و تکرار می کنیم تحقق چنین خواست هایی ارتباط مستقیم و انکار ناپذیری با طرد رژیم «ولایت فقیه» دارد. تجربه دو سال و نیم جنبش، از دوم خرداد تا به امروز، بیش از پیش مویذ این نظر است و هر روز بیش از گذشته طیف وسیع تری از نیروهای مردمی و آزادی خواه، به دلیل تجربه عینی خود، به درستی این نظر اعتقاد پیدا می کنند. تعمیق این درک و استفاده از آن برای رادیکالیزه کردن و سازماندهی جنبش وظیفه مهمی است که امروز پیش روی نیروهای مترقی و آزادی خواه میهن ما قرار دارد.

هاشمی رفسنجانی اسب تروایی است که ارتجاع می خواهد با استفاده از آن به جنبش آزادی خواهی میهن ما، در آستانه یک مضاف مهم، یعنی انتخابات مجلس ششم، ضربه وارد آورد، ولی هوشیاری جنبش و نیروهای مردمی در افشای این توطئه بی شک این ترفند را با شکست رو به رو خواهد کرد. افشای رفسنجانی به عنوان یک عنصر خطرناک و کارگزار وفادار ارتجاع و استبداد، وظیفه ای است در رنگ ناپذیر و جدی.

ادامه گزارشی از پیکار کارگران...

افزون بر این در گجساران نیز صدها تن از نفت گران در اعتراض به روند خصوصی سازی و طرح تعدیل نیروی انسانی دست به اعتصاب زده و گردهمایی هایی را سازمان دادند که با یورش نیروهای انتظامی روبه رو شد. شدت اعتراض کارگران و کارمندان نفت در حدی بوده است که به هنگام سفر زنگنه، وزیر نفت به اهواز، او بشدت مورد اعتراض کارگران واقع شد و سرانجام نیر ناچار شد سفر خود را نیمه کاره رها کرده و به تهران باز گردد. در جزیره خارک نیز کارگران شرکت پاسارگارد دریا که پیمانکار شرکت نفت فلات قاره هستند در اعتراض به دستمزدهای معوقه خود کار را تعطیل و در مقابل بخشداری جزیره خارک تحصن کردند. این تحصن به وسیله سپاه پاسداران و مأموران وزارت اطلاعات به سختی مورد حمله قرار گرفت. زیرا خارک پایانه مهم نفتی خلیج فارس است و هر حرکت اعتصابی در این منطقه می تواند به صدور نفت لطمه بزند. روزنامه جمهوری اسلامی در شماره ۲۹ آبان ماه خود ضمن درج این خبر از جمله نوشت: «کارگران در اعتراض به دریافت نکردن حقوق ماه های گذشته قصد دارند بازم در روزهای آینده تحصن و راه پیمایی کنند.»

استان اصفهان نیز در ماه های گذشته شاهد حرکات اعتراضی گوناگونی بوده است از جمله:

کارگران فولاد این شهر در اعتراض به رکود و تعطیلی بخش هایی از کارخانه و پرداخت نشدن دستمزدهای خود به مدت سه روز دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب بازتاب گسترده ای در سطح شهر داشت. در اواسط آبان ماه بیش از ۴۰۰ نفر از کارگران ساختمانی اصفهان در اعتراض به وضعیت وخیم زندگی خود و خانواده هایشان در مقابل اداره کار این شهر تجمع کرده و با دادن شعارهایی بر ضد سیاست های اعمال شده اعتراض شدید خود را نسبت به روند شتابان افزایش بیکاری اعلام کردند. همچنین کارگران نساجی بارش اصفهان نیز ضمن اعلام اعتصاب با حراست و مدیریت کارخانه درگیر شدند. کارگران خشمگین مدیرعامل، هیئت مدیره و چند نفر از انجمن اسلامی را در دفتر این کارخانه زندانی کردند. خواست کارگران پرداخت به موقع حقوق آنها و لغو قراردادهای موقت بود. در بندر بوشهر، رانندگان زحمتکش وسایل نقلیه سنگین در اعتراض به افزایش نرخ عوارض و برخورد توهین آمیز بسیجی ها در اسکله این بندر به مدت دو روز اعتصاب کردند که منجر به تعطیلی اسکله و تأخیر در تخلیه بار کشتی ها شد. رژیم در برابر مبارزه منسجم و همبستگی خلل ناپذیر اعتصابیون ناجار به عقب نشینی و تن دادن به خواست آنها شد. در اوایل آبان ماه بار دیگر کارگران شرکت فراسا در هشتگرد دست به اعتراض زده و ابتدا به مدت چند ساعت خیابان اصلی شهر را که محور عبوری کرج - قزوین است مسدود کردند و سپس با راه پیمایی در سطح شهر در مقابل اداره کار این شهر تجمع کردند.

همچنین بر اساس گزارش روزنامه کیهان، ۱۰ آبان ماه ۷۸، کارگران مجتمع پوشاک پلیکان طیس، در استان خراسان، در یک حرکت یکپارچه دست به اعتصاب زدند. این مجتمع تولیدی، پس از معادن زغال سنگ طیس، مهم ترین واحد تولیدی منطقه محسوب می شود. مدیریت کارخانه اعلام کرده بود که سیاست تعدیل نیروی انسانی به قیمت اخراج و یا باز خرید نزدیک به ۴۰ درصد از کارگران و کارمندان باید به اجراء گذاشته شود. در عین حال بیش از ۵ ماه است که کارکنان این شرکت حقوقی دریافت نکرده اند. توجه به این نکته حائز اهمیت است که ۸۰ درصد کارگران و کارمندان مجتمع پوشاک پلیکان را زنان تشکیل می دهند که اغلب سرپرست خانواده نیز می باشند. امام جمعه مرتجع و مدافع «ذوب در ولایت» با حمایت قاطع از کارفرما در کنار فرماندهی پاسداران به کارگران در زمینه ادامه اعتصاب اخطار داده و آنان را به سرکوب تهدید کرد.

در شهر صنعتی قزوین نیز کارگران فرش اکباتان دست به اعتصاب زده و خواست های خود را پیرامون تأمین امنیت شغلی، پرداخت دستمزدهای عقب افتاده مطرح کردند. در روز چهارشنبه ۲۴ آذرماه، کارگران شرکت بهمن پلاستیک تهران در یک تجمع نسبت به مشکلات حقوقی، صنفی، و معیشتی خود و بی توجهی مسئولان اعتراض کردند.

این ها تنها گوشه ای از ده ها حرکت اعتراضی کارگران در ماه های اخیر است. مجموعه این حرکات اعتراضی نشان می دهد که مبارزه کارگران با تشدید بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به شکل سازمان یافته ای بیش از پیش رنگ سیاسی به خود گرفته و سیاست های اساسی اقتصادی رژیم را که علت اساسی معضلات و مشکلات کنونی است هدف قرار داده است. این تحول نوید بخش رشد کیفی بیش از پیش جنبش کارگری در آینده است بدیهی است که نیروهای ملی و مترقی و خصوصاً اعضای و هاداران حزب توده ایران با تمام توان به این روند یاری خواهند رساند.

بخش‌هایی از سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در دومین اجلاس احزاب کمونیست کارگری و چپ در قبرس

رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران خرسند است که در دومین اجلاس احزاب کمونیست کارگری اروپا- خاورمیانه به منظور ارزیابی مهم‌ترین تحولات اخیر در جهان و اثرات آنها بر مبارزه مشترک برای صلح- دموکراسی و سوسیالیسم شرکت می‌کند.

در ابتدا اجازه می‌خواهم که تشکرات عمیق حزب توده ایران از «اکل» را برای سازمان‌دهی و میزبانی این اجلاس و فراهم آوردن این فرصت ابراز کنم و بهترین آرزوهای حزب توده ایران را برای پیروزی در مبارزه برای صلح و ترقی در قبرس به حزب برادر، حزب مترقی مردم زحمتکش قبرس تقدیم کنم.

تحلیل اوضاع کنونی جهان باید تأثیرات شکست اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی سابق در اروپای شرقی و اعاده سرمایه‌داری را بر موازنه نیروها در مبارزه برای صلح و ترقی اجتماعی منعکس کند. بدون تردید باید قبول کرد که، از زمانی که، در اوایل دهه ۹۰ میلادی موازنه نیروها به نفع سرمایه‌داری تغییر کرد، تهاجم ایدئولوژیک و تبلیغاتی سرمایه‌داری برضد طبقه کارگر تشدید شده است. امپریالیسم در کوشش برای شکل دادن به تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی در جهان، عملاً بی‌رقیب بوده است. هدف اصلی امپریالیسم کوشش برای تحمیل هژمونی خود بر سیاست، اقتصاد، امور نظامی و فرهنگ جهان بوده است.

گسترش رسمی ناتو در اروپای شرقی، در اوایل امسال، و باز تعریف استراتژیک محدوده فعالیت‌های آن، با هدف تمرکز آن به مثابه یک نیروی براندازنده و تسلط نو استعماری در سراسر مناطق جهان، از جمله چنین تلاش‌هایی است. جنگ ناتو برضد یوگسلاوی، و تحریمات مداوم آن برضد عراق نمونه‌های مهمی در این رابطه‌اند. موازنه جهانی نیروها در آستانه هزاره سوم میلادی به طور برجسته‌ای به نفع امپریالیسم بوده و تبعات این امر بسیار با اهمیت است: این خطر وجود دارد که سازمان ملل عملاً نقش بی‌اهمیتی پیدا کند.

نقش ایالات متحده، به عنوان «پلیس جهانی»، اکنون تحت کنترل هیچ قانون بین‌المللی‌ای و یا توجیه قانونی دیگر نیست. ناتو اقدامات نظامی برضد کشورها را بر پایه ادعای صحت اخلاقی آنها انجام می‌دهد.

اصل امکان برخورد یک کشور مستقل با مسائل و مناقشات درون مرزی خود فقط در صورتی پذیرفته می‌شود که در راستای منافع ایالات متحده باشد. همچنین توجه به برخی از عناصر جدیدی

را که توسط امپریالیسم در تعقیب «نظم نوین جهانی» استفاده می‌شود، مورد توجه قرار دهیم.

- اشارات وسیع به «جامعه بین‌الملل» عملاً جایگزین رجوع مشخص به قانون بین‌الملل شده است.

- در رابطه با عراق، هیئت بازرسی تسلیحات سازمان ملل برای راهیابی به مناطق حساس در عراق به منظور جاسوسی مورد استفاده قرار گرفت. عملیات هیئت بازرسی جهت جمع‌آوری اطلاعات برای ایالات متحده و بریتانیا، به منظور کشتن رهبران نظامی و سیاسی عراق در جریان بمباران‌های هوایی مورد استفاده قرار گرفت. هیئت بازرسی تسلیحات سازمان ملل یک نهاد بی‌طرف نبود. نقش آن قانون بین‌المللی را نقض کرده و منشور سازمان ملل توسط یک کشور عضو برای به کارگیری سازمان ملل برای سرنگون کردن دولت یک کشور دیگر، به کار گرفته شده است.

- در جنگ بالکان شاهد بمباران هدف‌های غیر نظامی توسط ناتو به منظور تشدید وحشت مردم یوگسلاوی بودیم.

- دولت‌های دست‌نشانده در بالکان عملاً در جهت ایجاد عدم ثبات، انجام عملیات نظامی و حمایت مخفیانه از راهزنان ارتش آزادی‌بخش کوسوو عمل کردند.

- کشورهای دیگری که قبلاً اجزاء یوگسلاوی را تشکیل می‌دادند، اکنون به ویژه در رابطه با ترتیبات مربوط به پلیس و ساختارهای نظامی تحت نفوذ ایالات متحده آمریکا هستند.

- امپریالیسم تمامی قرارداد‌های بین‌المللی در رابطه با عملکرد کشورهای در رابطه با احترام به چهاره‌ای اخلاقی- انسانی را زیر پا می‌گذارد. استفاده از بمب‌های با کلاهک ساخته شده از تفاله اورانیوم که اثرات سنگینی برای دوران طولانی بر مردم و محیط زیست دارد، نمایشگر عدم توجه امپریالیسم به ملاحظات انسانی است.

- از طریق تسلط عملاً کامل بر رسانه‌های جمعی، امپریالیسم موفق شده است که افکار عمومی در بیشتر کشورهای غربی را تحت تأثیر قرار دهد. دروغ‌های فاحش و آشکار برای گمراه کردن مردم و سازمان‌هایی که به طور بالقوه حامیان صلح و برضد بی‌عدالتی هستند، مورد استفاده قرار گرفت. هدف این امر جلوگیری از موفقیت کوشش‌ها برای سازمان‌دهی تظاهرات اعتراضی برای به زیر سؤال بردن قانونیت و با اخلاقی بودن جنگ امپریالیستی بود. اقدامات امپریالیسم خبری، همان‌طور که تظاهرات در یونان و ایتالیا نشان داد، همیشه موفقیت‌آمیز نبودند.

- هدف امپریالیسم بی‌ثباتی کامل بالکان به مثابه قدم اول در حرکت دادن عرصه نفوذ و کنترل خود به سمت شرق است.

- کوشش برای تکه تکه کردن بالکان با سیاست تحمیل تحریم‌های اتحادیه اروپا برضد بخش صرب نشین یوگسلاوی (که کوسوو و مونتینگرو را شامل نمی‌شوند) متوجه از بین بردن یکپارچگی این کشور می‌باشد. «بیمان ثابت بالکان» که از سوی آلمان اتخاذ شده است عملاً مارک آلمان را جایگزین دینار یوگسلاوی در کوسوو و مونتینگرو به مثابه ارز رایج نموده است.

- کمک‌های اتحادیه اروپا و به ویژه سوخت زمستانی به مناطقی که نیروهای اپوزیسیون مورد حمایت غرب حضور دارند، اختصاص یافته است. وزرای خارجه اتحادیه اروپا، کوسوو و مونتینگرو را از سیاست تحریم پرواز هوایی مسافری مستثنی نمودند.

- از همه بدتر، در حالی که هیچ‌گونه شهادتی بر قتل عام مردم کوسوو که توسط ناتو به عنوان بهانه برای حمله نظامی به یوگسلاوی استفاده شد، ارائه نشده است، گزارش‌های موثقی در مورد تعداد وسیع تلفات غیر نظامی بر اثر بمباران‌های یکپارچه ناتو در دست است.

- هدف کسب برتری منطقه‌ای است. تضعیف یوگسلاوی به مثابه یک قدرت منطقه‌ای در بالکان از طریق استفاده از تحریم‌های اقتصادی و تخریب زیر بنای کشور در عملیات نظامی در این راستا است. روندهای مشابهی را می‌توان در رابطه با عراق مشاهده کرد و کوشش‌های پنهان برای ایجاد یک وابستگی شبه استعماری و رژیم‌های وابسته در جریان است.

- ناتو اکنون می‌تواند خارج از قلمرو خود برای به خط آوردن

کشورهای یاغی» که توسط ایالات متحده تعیین شده‌اند، عمل کند. دیپلماسی قایق تودار، به منظور تحقق استراتژی تسلط بر اروپای مرکزی و شرقی و خاورمیانه عملاً به کار گرفته شده است.

- هدف تضعیف رژیم‌های مستقل و جلوگیری از رشد و قدرت‌گیری نیروهای است که می‌تواند منافع امپریالیسم را در مناطق استراتژیک تهدید نمایند.

- امپریالیسم انگلستان مصمم بودن خود به ایفای نقش همدست کلیدی ایالات متحده در کسب چنین موقعیتی را به نمایش گذاشته است. برگماری جرح رابرتسون، وزیر دفاع سابق انگلستان، به سمت دبیر کل ناتو محور ایالات متحده- انگلیس را در ناتو تقویت می‌کند.

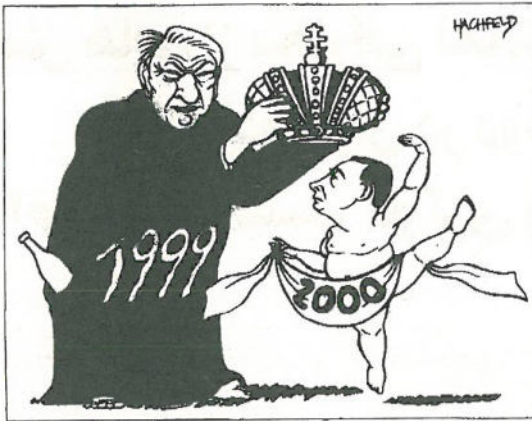
- تازه‌ترین مانورهای نظامی، که در برگیزنده واحدهای نظامی از یازده کشور شامل ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، آلمان، هلند و برخی از رژیم‌های طرفدار امپریالیسم در خاورمیانه بود، نشان از نقشه‌های امپریالیسم برای منطقه ما دارد.

رهبران ایالات متحده نقشه‌های خود برای گسترش بیشتر نفوذ خود بر منطقه ما را صراحتاً اعلام کرده‌اند. آنها خواستار کنترل منابع غنی منطقه و به ویژه ذخایر نفتی دریای خزر، به شیوه‌ای‌اند که بسیار مشابه استعمار در قرن پیشین است. ایجاد محورهای اسرائیل- اردن- ترکیه و گرجستان- آذربایجان- ترکیه که در هماهنگی با ناتو و نیز دولت نظامی پاکستان عمل می‌کنند متوجه تضمین موفقیت طرح فوق است.

- خطراتی که از چنین وضعیتی متوجه ایران میشود، بی‌شمار و عظیم است. برای امپریالیسم منطقه خلیج فارس هم به لحاظ کنترل دسترسی به منابع طبیعی، و هم به دلیل موقعیت ویژه آن در نقشه جغرافیای سیاسی جهان، اهمیت کلیدی خود را حفظ کرده است. حمایت از بقای رژیم‌های ارتجاعی در منطقه از طریق پیمان‌های نظامی، فروش اسلحه و جذب عملی آنها به ساختارهای نظامی امپریالیستی، ستون فقرات استراتژی امپریالیستی برای دست‌یابی به این اهداف است. و سیاست‌های ماجراجویانه، غیر مسئولانه و خطرناک رژیم اسلامی در ایران که درگیری، سرکوب و مداخله جویی را گسترش می‌دهد به چنین استراتژی بی‌کمک می‌کند.

- این تحولات نظامی و سیاسی، زمینه عملکرد تهاجم اقتصادی است که تحت عنوان «جهانی شدن» شناخته می‌شود، و عملاً به معنی حرکت آزاد سرمایه در اطراف جهان و دسترسی به منابع و نیروی کار توسط کمپانی‌های فراملی سرمایه‌داری است که مراکز کنترل و اداره آنان در اساس در کشورهای پیشرفته نیمکره شمالی قرار دارد.

- تشدید تفاوت‌ها بین کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و دیگران همچنین در دوره پس از شکست کشورهای سوسیالیستی شرق اروپا شتاب یافته است. به هر تاولی، مسئله شمال- جنوب می‌تواند گمراه‌کننده



خطاب به مردم روسیه گفت که «میهن ما در خطر است. الیگاری بی بی از دزدان قدرت را در کشور از طریق غارت، رشوه و دروغ بدست گرفته است، و رژیم دیکتاتوری جایتکارانه ای را بر پا کرده است... ما نیازمند تشکیل یک دولت قدرتمند و با کفایتیم.» حزب کمونیست فدراسیون روسیه با تشکیل جنبش سراسری «برای پیروزی» بسیج کارگران، کشاورزان، مهندسين و دانشمندان، جوانان و سالمندان، زنان و مردان و همه قشرهای خلقی را مخاطب عمده خود قرار داد. در بیانیه انتخاباتی خود حزب کمونیست فدراسیون روسیه اعلام کرد «ما سه هدف عمده و اصلی داریم: نجات مردم روسیه از اضمحلال، تقویت تمامیت کشور و وحدت آن و جلوگیری از سقوط سیاسی.» و در راستای این اهداف اعلام کرد: بخش های استراتژیک اقتصاد باید تحت کنترل دولتی قرار گیرد. حق شهروندان به کار، استراحت، مسکن ارزان، آموزش متوسطه و عالی، خدمات درمانی و تامین اجتماعی رایگان می باید اعاده گردد.» حزب کمونیست فدراسیون روسیه، در بیانیه خود، عنوان می کند «هنگامی که جنبش میهنی برای پیروزی» به قدرت برسد، برنامه حداقلی مرکب از ۱۵ ماده که شامل اقدامات عمده در رابطه با اصلاحات قانونی، رفاهی، اقتصادی، اعاده نقش مردم در تعیین سیاست های کشور، تامین عدالت، تلاش برای مرتفع کردن موانع بر سر راه وحدت روسیه، اوکراین و بلاروس را به مرحله اجرا در خواهد آورد.

حزب کمونیست فدراسیون روسیه در دومای جدید صاحب ۱۱۳ کرسی است. در صورتی که در رده پس از آن، بلوک انتخاباتی اصلی مورد حمایت کرملین موسوم به «وحدت» دارای ۷۲ کرسی خواهد بود. در سومین رده بلوک انتخاباتی «میهن - همه روسیه» تحت رهبری یوگنی پریماکوف با ۶۶ کرسی قرار دارد. با توجه به شیوه انتخاباتی دوما که در آن نصف کرسی ها (۲۲۵) بین احزاب به نسبت آرای که کسب می کنند و نصف کرسی (۲۲۵) بین کاندیداها در مناطق انتخاباتی تقسیم می شوند، امکان اینکه از بین صد کاندیدای مستقل موفق تعدادی از پلاتفرم کمونیست ها دفاع کنند، بسیار فراوان است و با توجه به حضور دیگر احزاب و نیروهای منتقد به سیاست کرملین احتمال ایجاد یک ائتلاف پارلمانی که قادر به کسب اکثریت در دوما باشد جدی است. گنبدی

ادامه در صفحه ۵

کمک های مالی رسیده

شهن و مسعود از هانوفر ۱۰۰ مارک
امیر و اعظم افروزه ۵۰ مارک
از کانادا به یاد رفیق کیا ۵۰۰ دلار

انتخابات دوما، استعفاي يلتسين و ... مبارزه ادامه دارد!

نتایج انتخابات مجلس دوماي روسیه در ۲۸ آذر ماه، و متعاقب آن استعفاي بوریس یتسین، رئیس جمهوری این کشور، در روز ۱۰ دی ماه، بار دیگر پیش بینی های ناظران سیاسی را پیرامون آینده مبارزه قدرت در روسیه و امکان تثبیت ضد انقلاب سرمایه داری در سرزمین اکتبر زیر و رو کرد. گویا این تقدیر تاریخ بود که قرن بیستم با تحولات تند و طوفانی و مبارزات مبتکرانه سوسیال دموکرات های انقلابی روسیه شروع شده و با تحولات طوفانی و مبارزاتی بفرنج، در واپسین روزهای آن، به پایان برسد. آنچه مسلم است اینکه رخدادهای اخیر نشان داد اوضاع سیاسی روسیه، آن گونه که برخی مفسران غربی می پندارند، ساده و یک بعدی نبوده که بتوان از واشنگتن و لندن و برلین و پاریس نسخه هایی را نوشت و سناریو هایی را برای ایفای نقش عوامل امپریالیسم تنظیم کرد و انتظار داشت که روند تحولات مطابق برنامه آنها پیش برود. در ده سال اخیر، مردم جهان شاهد چندین اظهار نظر پیش گویانه خام در رابطه با موفقیت روند ضد انقلاب، اضمحلال کمونیست ها و نیروهای ترقی خواه و محور گونه ترقی خواهی در روسیه و پس گرفتن عملی آن در روند تحولات بوده اند. اینکه ده سال پس از سقوط دیوار برلین و پیروزی ضد انقلاب در اروپای شرقی حزب کمونیست روسیه در انتخابات دوماي این کشور نه فقط بالاترین میزان حمایت را به عنوان یک نیروی سیاسی کسب می کند بلکه کاندیداهای آن در مناطق انتخاباتی نیز بیشترین تعداد کرسی ها را به مثابه وفاداران به آرمان های مردم و مبارزان در راه تحولات مردمی بدست می آورند. مطبوعات غربی و دست راستی، عمدتاً از اشاره به اینکه حزب کمونیست در این انتخابات بر رغم شرایط کاملاً غیر دموکراتیک موفقیت چشمگیری را کسب کرده است، خودداری می کنند. آنها به عمد از اقرار به اینکه پس از ده سال حکمروایی در روسیه و در شرایط کنترل همه امکانات و منابع از سوی سرمایه داری و بسیج جهنمی ترین کارزار تبلیغاتی مسموم بر ضد کمونیست ها و چپ و بکارگیری علنی دستگاه دولتی بر ضد احزاب مخالف، حزب کمونیست قادر شده است که با افزایش ۲ درصد آراء نسبت به انتخابات دوماي سال ۱۹۹۵ - با ۲۴/۲۹ درصد آراء قدرتمندترین حزب دوما باشد، که کاندیداهای آن در ۴۶ منطقه انتخاباتی در روسیه مستقیماً از سوی مردم انتخاب شده اند، خودداری کردند. انتخابات دوما عملاً تحت الشعاع جنگ تمام عیار در چین قرار داشت و سعی رهبران کرملین به سوءاستفاده از احساسات ملی مردم در شرایط جنگی به طور بی سابقه ای کارزار انتخاباتی نیروهای سیاسی را در سایه قرار داده بود. سرداران کرملین، که طبق شواهد غیر قابل انکار، خود نیز به شکل جایتکارانه ای در ایجاد زمینه ها و شرایط درگیری های چین دست داشتند، با ترسیم آن به عنوان جنگی که در یک سوی آن «بنیادگرایان» و «تروریست های بمب گذار» قرار دارند که هدفشان نابودی تمامیت و استقلال روسیه است، سعی به بهره برداری تبلیغاتی به نفع حزب دولت یعنی بلوک انتخاباتی «وحدت» که هیچ برنامه ای به جز حمایت از نخست وزیر، ولادیمیر پوتین نداشت کردند. واشنگتن پست در روز ۲۸ آذر ماه فاش کرد که بوریس بر زوفسکی، سرمایه دار بزرگ و از مشکوک ترین محافل در رابطه با بمبگذاری های تابستان در مسکو که همچنین در میان نزدیکترین محافل به یتسین است، شخصیت اصلی در تشکیل «وحدت» است.

پلاتفرم خلقی

حزب کمونیست روسیه، در مواجهه با چنین شرایطی، در فراخوان انتخاباتی خود

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:574

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

11 January 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

نام
شماره حساب
کد بانک
بانک
IRAN e. V.
790020580
10050000
Berliner Sparkasse



تلاش ذوب شدگان در ولایت برای مقابله با مردم

در پی رد صلاحیت کاندیداهای نیروهای ملی - مذهبی از سوی هیات نظارت، تعدادی از این کاندیداها در یک کنفرانس مطبوعاتی به تشریح رد صلاحیت های خودشان پرداختند. روزنامه اخبار اقتصاد ۲۲ دی ماه از قول دکتر پیمان حذف نیروهای اصلاح طلب در عرصه فعالیت انتخاباتی را عامل تاثیر انضالی بر مردم به ویژه نسل جوان دانست و گفت: «اگر مردم و نسل جوان از مجلس ششم ناامید شوند و در انتخابات شرکت نکنند به نفع محافظه کاران

ادامه در صفحه بعد

گزیده ها

«... تشدید فعالیت های حزب، خصوصاً در درون کشور، بردن شمارهای حزب به درون توده ها و ایجاد نیرو در جامعه، بالا بردن کیفیت سازماندهی نیروهای حزبی، خصوصاً در درون کشور، و حرکت آگاهانه هسته های حزبی متکی بر اتحاد و انجام آهنگین، در اوضاع کنونی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ما بدرستی اعتقاد داشتیم و داریم که امر پیروزی جنبش مردمی، ارتباطی تنگاتنگ با ایجاد یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری دارد.»

در این جبهه همه نیروهای مدافع آزادی، از اسلامی و غیراسلامی با برنامه های گوناگون، می توانند گرد آیند و جایگزین واحدی را در مقابل رژیم استبدادی حاکم ایجاد کنند. ما باید تلاش های خود را در راه تحقق این امر دوچندان کنیم. حرکت وسیع اخیر در داخل و خارج از کشور، در اعتراض به کشتارهای وحشیانه صاحبان اندیشه و قلم، نشان داد که زمینه های چنین اتحادی سرماً فراهم می شود...»

از اسناد پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران
به نقل از «نامه مردم»، شماره ۵۵۲، ۱۱ اسفندماه ۱۳۷۷

ضمیمه



ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۵۷۴، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۲۸ دی ماه ۱۳۷۸

آیت الله منتظری: رهبر فرا قانون نیست

با گذشت بیش از بیست سال از قانون اول و ده سال از قانون جدید اکثریت آراء سابق باقی نمانده است. نسل گذشته نماینده نسل های آینده نیستند. حقوق اجتماعی مردم تابع درجات ایمان آنها نیست

قرار داد.» به نظر آیت الله منتظری چاره رفع مشکلات در: «عدم تمرکز قدرت در یک فرد و تفکیک قوای کشور به گونه ای است که هر یک در دایره مسئولیت خویش مستقل باشد و نیروهای مناسب با کار خود را نیز در اختیار داشته باشد و هیچ کدام در کار دیگری دخالت نکنند...» آیت الله منتظری در ادامه همین مصاحبه درباره حقوق مردم چنین افزود: «هرچند مردم در برداشت از مسائل اسلامی و در درجات ایمان با هم متفاوتند ولی حقوق اجتماعی آنان تابع درجات ایمان آنها نیست بلکه همه ملت در حقوق انسانی و سیاسی و اجتماعی مساویند.» به گزارش روزنامه گاردین، ۱۴ ژانویه ۲۰۰۰، آیت الله منتظری در انتقاد مستقیم از تمرکز قدرت در دست سید علی خامنه ای، به عنوان ولی فقیه گفت: «چگونه از رئیس جمهور می توان انتظار داشت که قانون اساسی را اجراء کند وقتی که نیروهای نظامی و انتظامی در زیر نظارت او قرار ندارند. در حالی که همه توقعات اجتماعی متوجه رئیس جمهوری است و او باید در مقابل این توقعات پاسخگو باشد، تمامی نهادهای قدرت در اختیار ولی فقیه است، که به اعتقاد بعضی فرای قانون قرار دارد و در نتیجه به هیچکس پاسخگو نیست.» بر اساس همین گزارش آیت الله منتظری در انتهای مصاحبه اضافه کرد که: «من بارها گفته ام که نه قبایی برای رهبری دوخته ام و نه طالب مقام مرجعیت هستم اما بیان حقیقت را وظیفه شرعی خود دانسته و آنچه را به صلاح انقلاب و ملت بدانم بازگو می کنم و همچون گذشته در دفاع از حقوق مردم و آزادی های مشروع کوتاهی نخواهم کرد.»

بر اساس گزارش روزنامه انگلیسی زبان گاردین، آیت الله منتظری در مصاحبه ای با این روزنامه به برخی پرسش ها در مورد مهم ترین مسایل کشور پاسخ داد. در زیر بخش هایی از این مصاحبه را به نظر خوانندگان «نامه مردم» می رسانیم.

آیت الله منتظری در پاسخ به مساله اساس و بنیان حکومت اسلامی از جمله گفت: «بر حسب قانون اساسی ایران زیر بنای حکومت در همه سطوح آرای مردم است و قوای حاکمه و حتی ولی فقیه از ناحیه مردم مشخص می شوند و طبیعتاً حدود و اختیارات و مسئولیت آنان را قانون و کیفیت انتخاب آنان تعیین می کند.» آیت الله منتظری با استناد به اصل ۱۰۷ قانون اساسی اضافه می کند: «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است. او هیچگاه فرای قانون نیست و نمی تواند در هر کاری دخالت کند به ویژه در کارهایی که از تخصص او خارج است از قبیل مسایل اقتصادی، سیاست خارجی و روابط بین المللی.» به گفته آیت الله منتظری: «خارجیت و مشروعیت مقام ولی فقیه به انتخاب وی از ناحیه ملت می باشد و در حقیقت یک قرار داد اجتماعی است بین ملت و او و مشمول ادله و جوب و فای به عقد و عهد می باشد... اصول سیاسی قانون اساسی مانند احکام خدا نیست که قابل تفسیر نباشد. اساس و زیربنای قوانین سیاسی کشور مردم و آراء اکثریت آنان می باشد و با گذشت بیش از بیست سال از قانون اول و ده سال از قانون جدید اکثریت آراء سابق باقی نمانده است و نسل گذشته نماینده نسل های آینده نیستند و بطور کلی سیاست دائماً در تحول بوده و نمی توان آراء سیاسی گذشته و فرمول های آن را محور زندگی آیندگان

برنامه شورای نگهبان ارتجاع برای انتخابات مجلس

بر اساس گزارش رسانه های گروهی، هیات نظارت مرکزی شورای نگهبان، شامل جنتی (رهبر چماق داران انصار حزب الله و دبیر شورای نگهبان)، دری نجف آبادی (وزیر اطلاعات به هنگام قتل های زنجیره ای آزادی خواهان)، رضوانی (عضو فقهای شورای نگهبان)، شریعتی (معاون وزیر کشور در زمان بشارتی) و علیزاده (عضو حقوقدان شورای نگهبان) صلاحیت ۷۵۸ نفر از نامزدهای انتخابات مجلس ششم را رد کردند. بر اساس همین گزارش ها در میان رد صلاحیت شده ها حتی نام یک نفر از جناح ذوب در ولایت و مدافع ارتجاع و استبداد به چشم نمی خورد و تمامی رد صلاحیت شده ها را چهره های برجسته جبهه دوم خرداد، شخصیت های ملی - مذهبی و نامزدهای مستقل تشکیل می دهند. روزنامه عصر آزادگان، ۲۹ دی ماه، در ارزیابی عملکرد هیات نظارت شورای نگهبان می نویسد: «نگاهی گذرا به نوع اسامی رد شدگان نشان می دهد که تیغ حذف بیش از همه کسانی را هدف گرفته است که علی رغم وابستگی به گرایش های سیاسی متنوع، وصف عقلانیت آزادی خواه بر رفتار و کردار آنان غلبه داشته است. یعنی به چیزی دست زده ایم که جامعه ما امروز بیش از هر چیز به آن نیازمند است. اینک سوال این است که ما در پی چه هستیم که عقلانیت و آزادی بیش از هر چیز

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

برنامه شورای نگهبان...

برای آن خطرناک و خسارت آفرین است؟»

از برخورد هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان در رد صلاحیت صدام تن از نامزدهای انتخاباتی روشن است که تاکتیک نیروهای ارتجاعی، با علم به اینکه احتمال شکست سنگین آنها در انتخابات بسیار زیاد است، این است که تلاش کنند با حذف چهره های سرشناس و کسانی که در ماه های اخیر مواضع قاطع تری در مقابل ارتجاع و استبداد حاکم اتخاذ کرده بودند، نگذارند سجنل ششم با اکثریت مقتدری از نیروهای مدافع جبهه دوم خرداد شکل گیرد. ترکیب رد صلاحیت شده ها نشان می دهد که شورای نگهبان ارتجاع در یک حرکت حساب شده عمدتاً نامزدهایی را از جبهه دوم خرداد رد صلاحیت نکرده است که امکان تزلزل و ماشات آنان در رایزنی های آینده برای «حفظ نظام» بیشتر است. این نامزدها همچنین عمدتاً کسانی هستند که در برخورد نیروهای مختلف جبهه دوم خرداد با هاشمی رفسنجانی، کارگزار کهنه کار ارتجاع و استبداد، مواضع منطقی تر و حتی در حد تمجید از او را اتخاذ کرده بودند. بدین ترتیب به نظر می رسد ارتجاع می خواهد مجلسی با اکثریتی ضعیف و کیفیتی ضعیف تر از نیروهای جبهه دوم خرداد، آنهم زیر دست رفسنجانی، ایجاد کند که عملاً زیر کنترل رژیم باشد و نتواند مشکلات جدی بی برای آن ایجاد کند.

بر این اساس لازم است که در سطح هرچه گسترده تر و وسیع تری اعتراض های مردمی بر ضد عملکرد شورای نگهبان را سازمان دهی کرد. تجربه گذشته نشان داده است که با سازمان دهی اعتراض های وسیع و گسترده توده ها، جوانان، دانشجویان، کارگران و زحمتکشان و زنان مبارز میهن می توان ارتجاع و استبداد حاکم را به عقب نشینی وادار کرد. در این زمینه با توجه به فرصت کوتاه باقی مانده به برگزاری انتخابات نباید لحظه ای درنگ و تأمل کرد.

ادامه رویدادهای ایران

تمام خواهد شد. دکتر پیمان در مورد موضع نیروهای ملی-مذهبی در مورد خاتمی گفت: «خاتمی باید برای کاهش بحران ها علاوه بر طرح شعار و ذهنیت جدید برای جامعه، امکانات عملی برای ایجاد تغییرات را در اختیار می گرفت.» دکتر پیمان همچنین در پاسخ به پرسشی که در صد تأیید شدگان طیف شما نسبت به دوره های گذشته بیشتر است، گفت: «آنچه مهم است کیفیت نیروهایی است که از صحنه انتخابات حذف شدند، ما ۳۰ کاندیدا در تهران داشتیم و با احتساب شهرستان ها ۹۰ درصد آنان حذف شدند.» احمد زید آبادی یکی دیگر از رد شدگان گفت: «حذف این طیف نرخ مشارکت را پایین می آورد و تلاش این است که نرخ مشارکت پایین بیاید تا محافظه کاران امکان برنده شدن در دست آوردن کرسی های مجلس بیشتر شود.» زید آبادی در ادامه اظهار داشت: «استراتژی ما در این دوره این است که حتی المقدور از انتخابات کناره نمی گیریم، اما بر اساس مراحل خاص تحلیل های مناسب با آن داریم که مطابق آن موضع گیری و عمل می کنیم.»

وزارت اطلاعات ابزاری سرکوبگر

بعد از قتل های زنجیره ای سال گذشته و دخالت آشکار وزارت اطلاعات رژیم ولایت فقیه در سازمان دهی و اجرای این قتل ها سلسله بحث های زیادی در مورد جایگاه وزارت اطلاعات رژیم در محافل سیاسی و مطبوعاتی داخل و خارج از ایران به وجود آمد که هنوز ادامه دارد. روزنامه ایران چهارشنبه ۲۲ دی ماه به نقل از میردامادی عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت که در یک اجتماع دانشجویی ایراد شده، در این مورد می نویسد: «وزارت اطلاعات باید تحت نظارت مجلس قرار می گرفت تا تبدیل به ابزار سرکوبگر نشود و به دلیل عدم نظارت مجلس بر وزارت اطلاعات سعید امامی ها در این وزارت رشد کردند و به مناصب عالی رسیدند.»

وی در مورد جریان اتوبوس حامل نویسندگان و قصد پرتاب آن به دره اشاره کرد و خطاب به محمد رضا باهنر که او هم در این جلسه شرکت داشت گفت: «در دوران ریاست جمهوری خاتمی قتل هائی صورت گرفت که خاتمی با آنها مقابله کرد و فتنه گران وزارت اطلاعات مشخص شدند اما در سال ۷۵ اتفاقی افتاد و طی آن یک مشت نویسنده را در اتوبوس می خواستند درون دره بیفکنند و اکنون مشخص شده کار سعید امامی بود آیا این مسئله برای شما مهم نبود؟ اگر بود چرا تحقیق و تفحص نکردید؟» لازم به تذکر است که این جنایت آشکار توسط وزارت اطلاعات رژیم ولایت فقیه آنچنان محرز می باشد که کتمان آن حتی برای آدم های مرتجعی همچون باهنر هم مشکل به نظر می رسد، منتها هاشمی رفسنجانی «سردار سازندگی» رژیم ولایت فقیه هفته گذشته در یک مصاحبه با روزنامه همشهری که در اطلاعات بین المللی ۲۱ دی ماه به چاپ رسیده در مورد عملکرد این وزارت خانه ادعا کرد که در دوره مسئولیت ریاست جمهوری او، وزارت اطلاعات تمیزترین دوره را داشته است. اوج گیری جنبش مردمی هر روز چهره و یاکار این عنصر اصلی استبداد را بیشتر آشکار می سازد.

ویژگی های حکومت ولایت فقیه

در یک میزگرد سیاسی به نام «آسیب شناسی انتخابات» که کیهان چاپ تهرات ۲۲ دی ماه آن را به چاپ رسانده از قول محمد جواد لاریجانی در مورد ویژگی های حکومت خوب می نویسد: «حکومتی خوب است که اولاً مشروع و ثانیاً کارآمد

باشد. حکومتی مشروع است که در راس آن ولایت فقیه باشد و برای کارآمدی نظام، باید از طریق دموکراسی انتخاب شده باشد.»

لاریجانی در تشریح مشروعیت حکومت، دموکراسی و حق مردم به نظر می آید سخنی نگفته باشد، اما محمد یزدی رئیس سابق قوه قضاییه رژیم ولایت فقیه و از اعضای شورای نگهبان در تشریح حکومت طی یک مصاحبه با «اندیشه حکومت» که در روزنامه «مشارکت» ۱۱ دی ماه به چاپ رسیده می گوید: «حق حکومت بر اساس مبانی اسلامی از آن خالق متعال است و بعد به ترتیب از آن پیغمبر، امام و فقیه. اما در غرب، حق حاکمیت را از خود محکوم (بیخون مردم) می گیرند و می گویند که انسان مطلق آزاد است و هیچ کس بر او حق حاکمیت ندارد، در حقیقت آزادی حق اولی و طبیعی اوست، بنابراین هیچ کس نمی تواند حاکم شود مگر اینکه مردم او را انتخاب کنند. در اسلام به مردم چنین جقی داده نشده است.»

زنان، جوانان، دانشجویان، کارگران، زحمتکشان و تمامی اقشار جامعه میهن مان ایران، امروز بعد از سالیان زیاد تجربه رژیم ولایت فقیه، دریافته اند با وجود رژیم ولایت فقیه حق حاکمیت بر سرنوشته خویش امیدی بیهوده است. این ادعا دیگر نیاز به اثبات ندارد، حکومتیان در راس، همچون یزدی امروز آشکارا می گویند از نظر حکومت ولایت فقیه، مردم محکومانی بیشتر نیستند.

گروه های دوم خردادی و اختلاف بر سر رفسنجانی

روزنامه همشهری چهارشنبه ۲۲ دی ماه در یک مصاحبه با محمد رضا خاتمی رئیس دفتر سیاسی جبهه مشارکت از او در مورد شرکت رفسنجانی در انتخابات سوال کرده و نظر او را در این مورد جویا شده است. محمد رضا خاتمی در این مورد گفت: «من ترجیح می دهم اظهار نظر گسترده ای نکنم، فقط به طور خلاصه می گویم اگر آقای هاشمی در انتخابات شرکت نمی کرد، احتمال این که فهرست سی نفره تهران به تأیید تمامی گروه های دوم خرداد برسد بسیار زیاد بود. اما این مسئله باعث نشده که اختلاف از پایه دچار مشکل شود. گروه های این جبهه با سه صدی که از خود نشان دادند تصمیم گرفتند بحث آقای هاشمی را جدا از بحث سایر کاندیداها حل کنند و همه تلاش این بوده و هست که اجماع نظر نهایی حاصل شود.»

وی شرکت رفسنجانی در انتخابات را باعث فعال شدن رقابت ها و حضور گسترده بیشتر مردم ذکر کرد و در مورد انتخاب شدن و به مجلس رفتن او هم معتقد است که اتفاق خاصی رخ نخواهد داد، چرا که بر خلاف بعضی تصورات که معتقدند او روند اصلاحات را کند خواهد کرد گفت: «بنده معتقد جنبش دوم خرداد راه خود را پیدا کرده و اهداف خود را گم نخواهد کرد.»

آمار رسمی رد صلاحیت شدگان

به گزارش روزنامه ایران شنبه ۲۵ دی ماه، صلاحیت ۷۵۸ داوطلب نمایندگان در هیات های نظارت رد شده است. بر پایه این گزارش، بخشی از مواد فوق الذکر که ۴۸۵ نفر بر اساس آن رد صلاحیت شده اند، شامل اعتقاد و التزام عملی به اسلام و «نظام» جمهوری اسلامی و همچنین وابستگی تشکیلاتی و هواداران احزاب، سازمان ها و گروه هایی که غیر قانونی بودن آنها از طرف مقامات اعلام شده است، می باشد. بر اساس این گزارش استان تهران با ۱۶۲ نفر داوطلب بیشترین تعداد رد صلاحیت را داشته است.

آدرس ها:

18 January 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانکی
10050000
بانک
Berliner Sparkasse

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

Supplement to Nameh Mardom-NO 574

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.